

## عنوان مقاله:

میان رشتگی در غرب شناسی؛ ماهیت و گونه ها

## محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 11، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

## نویسنده:

قاسم درزی - استادیار، پژوهشکده مطالعات میان رشته ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی

## خلاصه مقاله:

غرب شناسی دانشی است که به شناخت داشته‌های مغرب زمین می‌پردازد. در این دانش، «غرب» به مثابه «دیگری» سوژه شناسایی قرار می‌گیرد تا پس از این شناخت بتوان بهتر از گذشته تعاملات و ارتباطات را تنظیم نمود. شناخت دیگری، با توجه به ذوجوه بودن انسان و هستی، نیازمند اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای/فرارشته‌ای است. بدون «تلفیق» و صرفاً کنار هم قرار دادن دانش‌های گوناگون، آنهم به شکلی مکانیکی، رویکرد میان‌رشته‌ای/فرارشته‌ای تحقق نخواهد یافت. با وجود ماهیت میان‌رشته‌ای غرب‌شناسی تحقیقاتی که تاکنون صورت پذیرفته است لزوماً اینگونه نبوده‌اند و بنابر نوع پژوهش، برجسب‌هایی چون: نا/چند/فرا/ زیر رشته‌ای به آنها اطلاق می‌شود. گونه‌های میان‌رشته‌ای پیرامون «غرب‌شناسی» را در دو قالب اساسی می‌توان دسته‌بندی کرد: میان‌رشتگی انتقادی/ نظری. انتقادی، اولین گونه از میان‌رشتگی است که مرتبط با «غرب‌شناسی» شکل گرفته است. این مطالعات «متن‌محور» بوده و نگاه و رویکرد تاریخی بر آنها غلبه دارد. سوگیری قابل توجهی در این گونه مشاهده می‌شود. میان‌رشتگی نظری اخیرترین گونه محسوب می‌شود که به بررسی دنیای واقعی و جوامع زنده کنونی می‌پردازد. مطالعات نمونه‌محور و مبتنی بر مفهوم‌سازی دیالکتیک و هم‌چنین گردهمایی‌ها با رویکرد میان‌رشته‌ای مهمترین دسته از این مطالعات محسوب می‌شوند. این نوع را به‌عنوان متکامل‌ترین دسته‌از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای پیرامون غرب‌شناسی می‌توان به حساب آورد.

## کلمات کلیدی:

مطالعات ناحیه ای، غرب شناسی، شرق شناسی، میان رشته ای، فرارشته ای، نارشته ای، مطالعات انتقادی، گونه شناسی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1259024>

